



۲۰۱۸/۱۰/۰۴

اختر قاسمیار

پاکستان موجود سرطانی!

پاکستانی استابلیشمنت دشمن مردم افغانستان بود، است و زمان ثابت کرده که باقی خواهد ماند.

گروپ از حرکت طالب که از جانب استابلیشمنت پاکستان به رُخ جهان کشیده می شود و جانب افغانی نیز با تعجب تلاش مذاکره سیاسی به آن ها را دارد عملاً در نهایت امر به خواست خود و یا با تحمیل شرایط در خدمت اهداف ستراتیژیک پاکستان قرار دارد .

جانب حاکمیت کابل با ارائه برنامه های صلح و تفاهم توقع بردن و توقع کردن که ایشان به صلح و مذاکره به حاکمیت کابل حاضر خواهند شد حد اقل ایجاب از سر نویسی قاموس ها و فرهنگ های سیاسی را می نماید .

پاکستان درین راستا دست بالا دارد و با داشتن نیروهایی به نام طالب و ده ها کیلانی، قوماندان و امکانات کدري و مالی و فرصت های در چهل سال گذشته و بالاخره با هدر دادن وسیع امکانات بالقوه جانب افغانی در موقف بهتر قرار دارد.

پاکستان با داشتن چنین برتری های و داشتن کدريها در نتیج سیاسی کابل چرا و به چه دلیل صلح و استقرار را به افغانستان هدیه کند؟ هیچ منطقی چنین روش را به نفع جنرالان و استابلیشمنت پاکستانی نمی داند و پاکستان چنین کاری را نخواهد کرد .

پاکستان افغانستان مستقل، متکی به خود را دیده نمی تواند و نخواهد گذاشت افغانستان به قوام و ثبات برسد .

پاکستان نخواهد گذاشت افغانستان به اداره آب، جنگل، معدن و منابع بشری خود برسد .

پاکستان تاریخ و جغرافیای خود را بهتر می داند و افغانستان مستقل، متکی به خود را در تضاد منافع خود می داند . با وجود اینکه بخشی از واقعیت های اقتصادی و سیاسی و زمان به ضد استابلیشمنت پاکستان در حرکت اند اما استابلیشمنت پاکستان در قبال افغانستان سیاست دشمنانه ضد افغانی و ضد افغانستان را تغییر نخواهد داد و نمی دهد .

بلی پاکستان کادر ها و اجنت های زیاد در داخل افغانستان دارد و این مشکلات وسیع را در داخل و خارج برای افغانستان ایجاد کرده می تواند و ایجاد می کند .

راه های حل: جنگ و مجادله حق با باطل ادامه دارد و پاکستان باطل است .

کار سیستماتیک در تقلیل امکانات پاکستان در افغانستان و به کار گیری سیاست های تجرید اجنت های پاکستانی در افغانستان .

در این راستا شف شف کردن با پاکستان تمدید تراژیدی ملت افغان و تمدید خطر صلح منطوقی است.

به یقین که سیاست مصالحه سیاسی و پیشکش کردن طرح ها و تلاش های صلح ولو با تمام صداقت، پاکستان را از سیاست افغان ضد افغان و افغانستان و ضد صلح باز خواهد داشت و چنین توقع کردن خطاء هم است.

آما این راه را پیمودن درست و ضرورت است؟

بلی درست و ضرورت به خاطر تجرید پاکستان در انظار جهان و به اصطلاح اتمام حُجت کردن است. اما اگر توسط افراد کار کشته و نا آگاه از ماهیت پاکستان عملی شود، چنانچه در اکثر موارد تا حال شده، جانب پاکستان از آن جانانه به نفع خود بهره برداری کرده و می کند. باید و باید به خاطر داشت که چنین روش های خیر خواهانه جانب افغانی سبب تأمین صلح و استقرار به مفهوم وارد شدن پاکستان به امر صلح و تفاهم خیر، نه خود خواهد شد و نه گروه های دست نشانده خویش را پاکستان اجازه صلح و تفاهم نیک، خواهد داد.

اما اگر با ابتکارات صلح جانب افغانی یک تن هم به صلح و تفاهم بین الافغانی ببینند و منجر شود، موفقیت است و ادای رسالت است و قابل استقبال.

اما به یقین گفته می توانم که این راه طولانی و حل نهایی ایجاب مقابله و تحمیل اهداف حق و گرفتن راه حق و مجادله رویاروی با استابلشمنت پاکستان یک واقعیت غیر قابل انکار است. ارائه بخشی از مطالب در ظاهر متناقض ایجاب تعمق بیشتر دارد. شرایط ما ایجاب تقویت دوا مدار خود، دولنداری خوب، تقویت نیرو های امنیتی و نظامی، تقویت دوچندان و سه چندان نیرو های استخباراتی و کشفی، شناخت و کشف اجیر و نوکر فعال دشمن در اداره حاکمیت جانب افغانی و محدود ساختن امکانات آن، استخدام کادرهای ضد اهداف شوم پاکستانی و ادامه کار وسیع افشای ماهیت کاذب پاکستان، کسب و تقویت کار با متحدین داخلی سیاسی ضد پاکستان و تقویت کار با نیروهای ضد پاکستانی و از جمله با هند، تجرید پاکستان از متحدینش و متیقن ساختن جهان و مردم پاکستان امروز که سیاست های پاکستان بر ضد افغان و بر ضد افغانستان برای مردم منطقه و استقرار جدی و اساسی است.

سیاست ایجاد، تمویل، تربیت و صدور دهشت و ترور پاکستان سبب ادامه تراژیدی ملت افغان، مردم پاکستان امروز و خطر جدی صلح جهانی است.

آمادگی دوا مدار از تقابل اجتناب ناپذیر با دهشت و وحشت استابلشمنت پاکستانی جنگ طلب و دهشت گر پاکستان باید و باید با برنامه های وسیع و همه جانبه در برنامه کاری افغانستان و متحدین منطقه و ائتلاف ضد تروریستی جهانی باشد.

اضمحلال ای اس ای مانند یک سازمان تروریستی، کشیدن بمب اتوم از دست این دهشت گران و بالاخره پایان دادن به این دانه سرطانی به نام پاکستان یکی از راههای حل اساسی خطر و تقلیل خطر ترور و دهشت در منطقه است.

مردم این منطقه، پشتون ها و بلوچ ها درین منطقه، افغان ها و مردم خیر اندیش منطقه باید به حقوق حقّه خویش برسند و از شر دانه و موجود سرطانی ای به نام پاکستان رهایی یابند.

سوء استفاده ایران نیز در این جا، تا افغانستان به اداره آب، معدن و تنظیم قوای بشري خویش نرسد، جانب دیگر از ادامه تراژیدی ملت افغان است که ایجاب تدابیر مشخص را دارد.

انتخاب دیگری وجود ندارد.

پایان بی پایان

۲۰۱۸/۱۰/۰۴

